

فهرست

۱	سند روایت صحیفه مبارکه سجاده
۱۱	نیایش در حمد و ستایش خدای عزوجل
۱۵	درود و تحیت بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله
۱۷	نیایش در ستایش و تمجید فرشتگان
۲۰	صلوات و درود بر تصدیق کنندگان رسولان
۲۲	نیایش برای خود و دوستانشان
۲۴	نیایش در صبح و شام
۲۷	نیایش هنگامی که امر مهمی یا حادثه ناگواری وارد می شد
۲۹	نیایش در پناه بردن به خدا از سختی ها و کردار ناپسند
۳۱	نیایش در اشتیاق به طلب آمرزش از خدای متعال
۳۲	نیایش در پناه بردن به سوی خدای متعال
۳۳	نیایش در طلب عاقبت و خیر شدن
۳۴	نیایش در اعتراف به گناهان و طلب توبه از خدای متعال
۳۷	نیایش در طلب حاجت ها از خدای متعال
۴۰	نیایش هنگام ستم کشیدن از سوی ظالمان
۴۲	نیایش در هنگام غم و اندوه یا مصیبت و رنج
۴۴	نیایش و درخواست گذشت از خطاها یا تضرع و زاری در طلب عفو
۴۸	نیایش در پناه بردن به خدا از شر شیطان
۵۰	نیایش در شکرگزاری از دفع بلا
۵۱	نیایش در طلب باران
۵۳	نیایش در مکارم اخلاق و اعمال پسندیده
۵۹	نیایش هنگام اندوه و نگرانی از گناه
۶۲	نیایش به هنگام رنج و سختی
۶۵	نیایش در طلب عافیت و شکر آن
۶۷	نیایش برای پدر و مادرش که درود خدا بر آنها باد
۷۰	نیایش آن حضرت در حق فرزندان
۷۳	نیایش آن حضرت درباره همسایگان و دوستان
۷۴	نیایش برای مرزداران اسلام

نیایش هنگام پناه بردن به خدای عزوجل.....	۷۸
نیایش هنگامی که رزق و روزی بر آن حضرت تنگ می شد.....	۷۹
نیایش در کمک خواستن برای پرداخت قرض.....	۸۰
نیایش در ذکر و درخواست توبه.....	۸۲
نیایش پس از نماز شب.....	۸۷
نیایش هنگام استخاره و طلب خیر از خدای متعال.....	۹۲
نیایش هنگامی گرفتاری و یا دیدن شخص گناهکار.....	۹۳
نیایش در مقام رضا و خشنودی هنگام دیدن اهل دنیا.....	۹۴
نیایش هنگام دیدن ابر و شنیدن صدای رعد و برق.....	۹۵
نیایش در اعتراف به کوتاهی در به جا آوردن شکر و سپاس خدای متعال.....	۹۷
نیایش در عذرخواهی از کوتاهی در حقوق مردم.....	۱۰۰
نیایش و درخواست عفو و رحمت الهی.....	۱۰۱
نیایش هنگام شنیدن خبر مرگ و یاد مرگ.....	۱۰۴
نیایش در طلب پرده پوشی و محفوظ ماندن از گناه.....	۱۰۵
نیایش به هنگام ختم قرآن.....	۱۰۶
نیایش در وقت رؤیت هلال ماه.....	۱۱۱
نیایش به هنگام داخل شدن در ماه مبارک رمضان.....	۱۱۳
نیایش در وداع با ماه مبارک رمضان.....	۱۱۷
نیایش در عید فطر و روز جمعه.....	۱۲۴
نیایش روز عرفه.....	۱۲۷
نیایش عید قربان و روز جمعه.....	۱۴۱
نیایش برای دفع حيله دشمنان و بازگرداندن خطر آنها.....	۱۴۶
نیایش در مقام خوف از خداوند.....	۱۴۹
نیایش در هنگام تضرع و خضوع.....	۱۵۱
نیایش در اصرار و التماس به درگاه خدا.....	۱۵۴
نیایش به هنگام خضوع و خشوع در برابر خداوند.....	۱۵۶
نیایش در رفع غم و اندوه.....	۱۵۸
رساله حقوق امام سجاده.....	۱۶۳



وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

إِذَا ابْتَدَأَ بِالدُّعَاءِ بَدَأَ بِالتَّحْمِيدِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ، فَقَالَ:

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ
بَعْدَهُ (٢) الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَعَجَزَتْ عَنْ
نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ. (٣) ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَ
اخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعًا، (٤) ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ،
وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ، لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ،
وَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَقَدُّمًا إِلَيْهِ مَا أَخَّرَهُمْ عَنْهُ، (٥) وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ
مِنْهُمْ قُوَّةً مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ،
وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ. (٦) ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا
مَوْقُوتًا، وَنَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا، يَتَخَطَّ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ، وَيَرْهَقُهُ
بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى أَثَرِهِ، وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ،
قَبَضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْدُورِ عِقَابِهِ «لِيَجْزِيَ
الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى»^١ (٧)
عَدْلًا مِنْهُ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَتَظَاهَرَتْ أَلَاؤُهُ «لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ
هُمْ يُسْأَلُونَ». (٨) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ

١١

١. سورة نجم، آية ٣١.

٢. سورة انبياء، آية ٢٣.



واز دعا‌های امام سجاده علیه السلام است

نیایش در حمد و ستایش خدای عزوجل

(۱) ستایش مخصوص خداست که هستی او اول در وجود است بی آنکه پیش از آن اولی باشد و آخر در وجود است بی آنکه بعد از او آخری باشد؛ (۲) آن یگانه ذاتی که دیده بینندگان از دیدنش قاصر، و فهم و اندیشه توصیف‌کنندگان از نعمت و صفش عاجز است. (۳) عالم آفرینش را بی مثال و بی سابقه فکرت به قدرت کامله و مشیت بالغه (بدین نظم زیبا و کامل) بیافرید؛ (۴) پس آنگاه تمام خلق را به اراده نافذ خود به طریقه مستقیم سلوک داد و به راه محبت (و عشق و اشتیاق) خود برانگیخت، آن‌چنان که آن کس را که مشیت و اراده خدا مقدم بر دیگران داشته قدمی مؤخر نتواند نهاد و آن کس را که مؤخر از دیگری داشته، قدمی تقدم نتواند یافت. (۵) و برای هر نوعی از موجودات عالم (و یا روحی از ارواح خلائق) قوت و قوتی و رزق و روزی معلوم و معین قسمت فرمود که آن قسمت معین الهی را هرگز کسی که بر او زیاد مقدر فرموده کم نتوان کرد و آن را که کم مقدر کرده اندکی نتوان افزود (۶) سپس در زندگی و حیات او اجلی معین کرد و بر زندگانی وی مدتی مقرر داشت که گام‌های او در زندگانی، قدمی است که به سوی اجل خود می‌رود و به رفتن (ماه‌ها و) سال‌های عمر، روزگار آن اجل معین فرامی‌رسد تا هنگامی که آخرین قدم را برداشته و حساب عمر به پایان رسید و خدا قبض روح کند و به جانب منزلی که دعوتش فرموده‌اند که یا سرمنزل ثواب کامل حق است یا منزل شقاوت و قهر و عقاب خدا، رهسپار شود (۷) «تا (در آن عالم، خدای متعال به عدل و احسان) آنان را که بدکارند به کیفر کردار بدشان برساند و آنان که نیکوکارند پاداش نیکو عطا کند.» که کار خدا، عدل (و احسان) است و اسماء مبارک و اوصاف کمالیه‌اش پاک و منزّه (از ظلم و ستم به خلق) است و لطف و احسان و نعمت‌هایش بر خلق آشکار است و «ابدأ کسی را حق سؤال و چون و چرا در کار خدا نیست؛ اما همگان در پیشگاه او مورد سؤال واقع می‌شوند».

(۸) و ستایش مخصوص (ذات پاک) خدای متعال است که اگر شناختن اوصاف جمال و کمالش را از بندگان منع کند (و طریق معرفت را به روی آن‌ها ببندد) به واسطه ابتلا و

حَمْدِهِ عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِّنْهِ الْمُتَنَابَعَةِ، وَ أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ
الْمُتَظَاهِرَةِ، لَتَصَرَّفُوا فِي مِّنْهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ
يَشْكُرُوهُ، (٩) وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى
حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ، فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ «إِنَّ هُمْ إِلَّا
كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»^١ (١٠) وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَّفْنَا مِنْ
نَفْسِهِ، وَ أَلْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَ فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّةِ، وَ
دَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ، وَ جَنَّبَنَا مِنَ الْأُلْحَادِ وَ
الشَّكِّ فِي أَمْرِهِ، (١١) حَمْدًا نُعَمِّرُ بِهِ فِي مَنْ حَمَدَهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَ
نَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى رِضَاهُ وَ عَفْوِهِ، (١٢) حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ
ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ، وَ يَسْهِّلُ عَلَيْنَا بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ، وَ يُشْرِفُ بِهِ
مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ «يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ
لَا يُظْلَمُونَ»^٢، «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَ لَا هُمْ
يُنصَرُونَ»^٣ (١٣) حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ «فِي كِتَابِ
مَرْقُومٍ * يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ»^٤ (١٤) حَمْدًا تَقْرَأُ بِهِ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتْ
الْأَبْصَارُ، وَ تَبْيَضُّ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْتَوَدَّتِ الْأَبْشَارُ، (١٥) حَمْدًا
نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ، (١٦) حَمْدًا نُزَاحِمُ بِهِ
مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ، وَ نُضَامُ بِهِ أَنْبِيََاءَهُ الْمُرْسَلِينَ، فِي دَارِ الْمَقَامِ
الَّتِي لَا تَزُولُ، وَ مَحَلِّ كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ. (١٧) وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

١. سورة فرقان، آية ٤٤.
٢. سورة جاثية، آية ٢٢.
٣. سورة دخان، آية ٤١.
٤. سورة مطففين، آية ٢٠ و ٢١.

امتحان به احسان‌های پی‌درپی و اعطای نعمت‌های گوناگون، همانا خلق به صرف نعم الهی (از منعم غافل شده) ستایش او را نکنند و به توسعه رزق و روزی پرداخته و شکرش را بجا نیاورند. (۹) و اگر مردم چنین شوند همانا از حدود انسانیت به سرحد حیوانیت داخل شوند چنان که خداوند در کتاب محکمش وصفشان کرده: «مردم غافل از خدا، به حقیقت، حیوان، بلکه گمراه‌تر از حیوانند.» (۱۰) و ستایش مخصوص خداست که خود را به ما شناسانید و از نعمت بی‌نهایت شکرش، بهره‌ای به ما الهام کرد و از درهای نامت‌های علم به ربوبیتش، برخی را بر ما گشود و ما را از لطفش به مقام رفیع اخلاص در توحید و یگانگی خود راهنمایی کرد و از شائبه شرک و الحاد و شک و تردید در امرش دور گردانید؛ (۱۱) او را چنان ستایشی کنیم که در طول عمر در عدد بندگان ستایش‌گزار حق باشیم؛ و از خاصانی که به مقام عفو و رضا و خشنودی او سبقت یافتند گوی سبقت بر بایم. (۱۲) چنان حمد و ستایشی که ظلمات و تاریکی‌های عالم برزخ را بر ما روشن سازد و راه شناخت عالم مبعث (یعنی عالم قیامت) را بر ما آسان گرداند و به واسطه آن حمد، منازل ما نزد شاهدان مواقف (محشر) شریف‌تر شود، «در آن روزی که هر شخص به پاداش و کیفر اعمالش می‌رسد و به هیچ‌کس ابداً ستم نشود»، «روزی که هیچ دوستی کم‌ترین کمکی به دوستش نمی‌کند، و از هیچ سویاری نمی‌شوند». (۱۳) حمد و ستایش مخصوص خداست که حمد و ثنای ما به سوی حق بالا رود و به عالم اعلیٰ علّیین، «در کتاب رقم‌شده حق ثبت شود، تا آن حمد را مقربان درگاه خدا مشاهده کنند». (۱۴) حمد و ستایشی که چون (قبول درگاه حق باشد) موجب چشم‌روشنی و نشاط ما شود، و در روزی که چشم‌ها از ترس و وحشت، برق زند و خیره گردد ما بدان حمد نزد خدا روسفید شویم، روزی که بسیاری از بدکاران در آن روز روسیاه شوند. (۱۵) (باز) خدا را حمدی کنیم که ما را از آتش دردناک (قهر) خدا آزاد سازد و به جوار لطف و کرمش رساند؛ (۱۶) حمدی که (در فخر و شرف اخلاص) با حمد فرشتگان مقرب حق معارضة و همسری کند و ما را با انبیا و رسل در مقام بهشت ابدی که زوال ندارد و محل کرامت الهی که تغییر نیابد جمع گردانند. (۱۷) و ستایش مخصوص خدایی است (عزّ‌شأنه) که برای ما، اخلاق نیکو را برگزید و رزق و روزی‌های ما را

الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخُلُقِ، وَ أَجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، (١٨)
وَجَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخُلُقِ، فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ
لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَ صَائِرَةٌ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ، (١٩) وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ، فَكَيْفَ نَطِيقُ حَمْدَهُ؟ أَمْ مَتَى نُؤَدِّي
شُكْرَهُ؟ لَا مَتَى؟ (٢٠) وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِينَا الْآتِ الْبَسِطَ، وَ
جَعَلَ لَنَا أَدَوَاتِ الْقَبْضِ، وَ مَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ، وَ أَثَبَّتَ فِينَا جَوَارِحَ
الْأَعْمَالِ، وَ غَذَّانَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَ أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَ أَقْنَانَا بِمَنِّهِ،
(٢١) ثُمَّ أَمَرْنَا لِيَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا، وَ نَهَانَا لِيَتَتَلَّى شُكْرُنَا، فَخَالَفْنَا عَنْ
طَرِيقِ أَمْرِهِ، وَ رَكِبْنَا مُتُونَ زَجْرِهِ، فَلَمْ يَتَذَكَّرْنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَ لَمْ يُعَاجِلْنَا
بِنِقْمَتِهِ، بَلْ تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ تَكَرُّمًا، وَ انْتَظَرْنَا مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا.
(٢٢) وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِدْهَا إِلَّا مِنْ
فَضْلِهِ، فَلَوْ لَمْ نَعْتَدِدْ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسُنَ بِلَاؤُهُ عِنْدَنَا، وَ جَلَّ
إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا، وَ جَسَمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا، (٢٣) فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي
التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَ لَمْ يُكَلِّفْنَا
إِلَّا وَسْعًا، وَ لَمْ يُجَشِّمْنَا إِلَّا يُسْرًا، وَ لَمْ يَدْعَ لِأَحَدٍ مِنَّا حُجَّةً وَ لَا
عُذْرًا، (٢٤) فَالْهَالِكُ مِنَّا مَنْ هَلَكَ عَلَيْهِ، وَ السَّعِيدُ مِنَّا مَنْ رَغِبَ
إِلَيْهِ. (٢٥) وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمَدَهُ بِهِ آدَنَى مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ، وَ أَكْرَمُ
خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ، وَ أَرْضَى خَامِدِيهِ لَدَيْهِ، (٢٦) حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ
الْحَمْدِ، كَفَضْلِ رَبِّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ، (٢٧) ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ

پیوسته نیکو و پاکیزه گردانید؛ (۱۸) (و ما اهل بیت را) و به قدرت روحانی و اقتدار ملکوتی بر تمام خلق برتری و فضیلت بخشید تا آنجا که به قدرت کامله خود و عزت و اقتدار خویش، خلائق را مطیع و فرمانبردار ما و متوجه به طاعت ما گردانید. (۱۹) و ستایش خدایی را که درگاه احتیاج و نیازمندی را جز به حضرتش به روی ما بست؛ پس چگونه ما را طاقت حمد و ثنای او یا یکی ما را قدرت بر ادای شکرش (بر این نعمت بزرگ) خواهد بود؟ هرگز! کی می توانیم؟ (۲۰) و ستایش خدای را که وسایل بسط (علم و ایمان) را در جوهر ذات ما آمیخت و اسباب اخذ و قبض (علوم آسمانی و حقایق وحی الهی) را برای ما قرار داد و ما را به حقایق و روح زندگانی ابدی کامیاب گردانید و جوارح انجام اعمال (صالح و طاعت خالص) را در وجود ما مستقر و ثابت بداشت و غذای (جسم و جان) ما را رزق نیکو و پاکیزه عطا کرد و به فضل و کرم خود ما را از همه بی نیاز نمود و ما را به انعام خود متنعم و خشنود ساخت؛ (۲۱) آنگاه به ما امر نمود تا طاعت ما را بیازماید و ما را نهی فرمود تا شکر ما را آزمایش کند و چون ما بندگان از طریق امرش روگردانیدیم و به وادی نافرمانی شتافتیم باز بر ما تسریع و تعجیل به عقاب و انتقام نفرمود بلکه با تأنّی و مدارا از رحمت و لطف و کرم، از ما منتظر توبه و رجوع از گناه بود. (۲۲) و ستایش خدای متعال را که ما را بر توبه راهنمایی کرد، همان نعمت توبه‌ای که ما به آن، جز به فضل و کرمش نائل و مستفید نشدیم؛ اگر فضل او نبود هیچ‌گاه به آن راه نمی یافتیم همانا همین نعمت توبه، لطف و احسان بزرگ خدا بر ما بود و فضل و کرمش بر ما عظیم بی شمار بود. (۲۳) و گرنه سنت و فرمان خدا در توبه امت‌های گذشته بدین آسانی نبود که همانا به لطفش از ما امت ختمی مرتبت ﷺ حکم آنچه را که سخت و طاقت‌فرسا بود برداشت و مکلف نکرد ما را، مگر به قدر وسع و آسانی، و تکلیف ما را جز سهل و اندک مقرر نفرمود و بر احدی از ما نیز (به واسطه آسانی تکالیف و سهولت توبه) حجّت و عذری باقی نگذاشت. (۲۴) پس زیانکار و شقی کسی است که خود بر ضرر خویش به معصیت حق پرداخت، و سعادت‌مند و رستگار کسی است که به سوی او رغبت کرد. (۲۵) و باز ستایش خدای متعال را، آن ستایش و حمدی که مقرب‌ترین فرشتگان او و گرامی‌ترین خلق او بر ذات پاکش و پسندیده‌ترین حمدکنندگان نزد حضرتش بجای می آورند؛ (۲۶) حمدی که فضیلت و برتری آن بر سایر حمد و ثناها مانند برتری پروردگار ما بر تمام خلق باشد؛ (۲۷) باز خدا را حمد کنیم در مقابل هر نعمتی که از او